

اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

پژوهشنامه خلیج فارس

(دقر چهارم)

به کوشش

دکتر عبدالرسول خیراندیش

مجتبی تبریزیا



خاند کتاب

اردیبهشت ۱۳۹۱

سرشناسه: تبریزنیا، مجتبی، ۱۳۴۹
عنوان و نام پدیدآور: پژوهشنامه خلیج فارس (دفتر چهارم) // به کوشش دکتر عبدالرسول خیراندیش،
مجتبی تبریزنیا
مشخصات نشر: تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۵۶۰ ص: مصور
شابک: ۸-۰۶۰-۲۲۲-۶۰۰-۹۷۸-۱۱۵۰۰۰ ریال
یادداشت: کتابنامه
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع: خلیج فارس
شناسه افزوده: خیراندیش، عبدالرسول، ۱۳۳۶
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ پ ۴ خ ۹ / DSR ۲۱۳۴
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۷۳۵
شماره کتابشناسی ملی: ۲۷۴۴۷۳۲

۳۰۵



عنوان کتاب: پژوهشنامه خلیج فارس

(دفتر چهارم)

به کوشش: دکتر عبدالرسول خیراندیش و مجتبی تبریزنیا

ناشر: خانه کتاب

نوبت چاپ: اول، اردیبهشت ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۱۵۰۰ تومان

شابک: ۸-۰۶۰-۲۲۲-۶۰۰-۹۷۸

حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و تنظیم: سولماز پرستاری و سمانه نوروزی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ سروش

نشانی: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان فلسطین و صبای جنوبی، شماره ۱۰۸۰، خانه کتاب، کدپستی: ۱۳۱۷۵،

تلفن بخش توزیع: ۸۸۳۴۲۹۸۵، دورنگار: ۶۶۴۱۵۳۶۰

تقدیم بہ زندہ یاد:

عباس انجم روز

پیشام مطالعات و تحقیقات صفحات شمالی خلیج فارس

فهرست مطالب

- پیشگفتار / علی شجاعی صائین ۹
- دیباچه / مجتبی تبریزنیا ۱۵
- فصل اول: پژوهش‌های تاریخی** ۱۷
۱. هیرون؛ موهبت گرما برای دریای پارس / دکتر عبدالرسول خیراندیش ۱۹
۲. بنادر و مراکز مهم تجاری و استقرار دوره‌ی اشکانی خلیج فارس در منابع کلاسیک / دکتر علیرضا خسروزاده ۳۹
۳. از خلیج فارس (سیراف) تا اقیانوس هند (سریلانکا)؛ مناسبات بازرگانی پارسیان خلیج فارس با بنادر اقیانوس هند در قرون نخستین اسلامی تا قرن پنجم هجری، بر اساس شواهد باستان‌شناختی و منابع نوشتاری / دکتر محمداسماعیل اسماعیلی جلودار ۶۷
۴. موقعیت تجاری «دریای پارس» در عصر سلجوقی / دکتر ناصر صدقی ۱۰۵
۵. گوشه‌ای از پیوندهای دریایی ایران و چین: ژنگ‌خه در دریای پارس / دکتر محسن جعفری مذهب ۱۱۷
۶. اوضاع اجتماعی و اقتصادی جزیره‌ی هرموز در واپسین روزهای حکومت ملوک هرموز به روایت باربوسا / سیده زهرا زارعی ۱۲۷
۷. وضعیت تجاری خلیج فارس به روایت سیاحان اروپایی روزگار صفویه / دکتر احمد کامرانی فر ۱۴۵
۸. بندر عباسی در عصر صفوی از نگاه یک پزشک آلمانی (براساس نامه‌های انگلبرت کمپفر) / سارا ماریا مایر ۱۶۵
۹. مراکز استقرار بازرگانان هندی در سواحل شمالی خلیج فارس (با تکیه بر فرهنگ جغرافیایی لوریمر) / فاطمه نجفی ۱۸۵
۱۰. نقش قرارداد ۱۸۲۰ در تسلط انگلستان بر سواحل جنوبی خلیج فارس / سلمان قاسمیان ۲۰۵
۱۱. از هند تا شیراز؛ سفرنامه‌ی ادوارد استاک به ایران از طریق خلیج فارس / مجتبی تبریزنیا ۲۲۹
۱۲. ماجرای قتل مستر گریوز انگلیسی در سواحل دریای عمان / عبدالله صفرزایی ۲۹۱

۱۳. خلیج فارس در رقابت‌های روس و انگلیس در اوایل سده‌ی بیستم / دکتر محمد حسن نیا ۳۰۵
۱۴. بررسی مسئله‌ی بهداشت در سواحل و بنادر ایران در خلیج فارس، از کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب اسلامی (۱۳۳۲-۱۳۵۷)، با تکیه بر اسناد و مذاکرات مجلس شورای ملی / فاطمه امیری‌پری ۳۳۹
۱۵. تاریخچه‌ی شورای همکاری خلیج فارس / دکتر عباس سرافرازی ۳۵۷
- فصل دوم: پژوهش‌های باستان‌شناسی** ۳۶۹
۱۶. لایه‌نگاری «تم مارون» و «سلطان میران»: رودان، استان هرمزگان، پاییز و زمستان ۱۳۸۶ / سیامک سرلک ۳۷۱
- فصل سوم: پژوهش‌های مردم‌شناسی** ۴۲۹
۱۷. آداب و رسوم متأثر از دریا و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن‌ها در سواحل شمالی خلیج فارس / مصطفی کریمی و علیرضا شیخ‌محمدی ۴۳۱
۱۸. واژگان معماری سنتی خلیج فارس / احمد حبیبی ۴۶۱
۱۹. گذری بر فرهنگ مردم جاسک (آیین‌ها، باورها، آداب و رسوم با تأکید بر نقش دریا در زندگی مردم) / عبدالخالق مسقطی ۴۷۷
۲۰. تعزیه در میناب / عباس کریمی حاجی‌خادمی ۴۹۷
- فصل چهارم: نقد و معرفی کتاب** ۵۱۹
۲۱. معرفی اجمالی نسخه‌ی خطی منحصر به فرد: «عقد جید الدرر فی معرفه حساب نوروز اهل البحر» / علیرضا خلیفه‌زاده ۵۲۰

پیش‌گفتار

خلیج فارس به عنوان خاستگاه تمدن‌های بزرگ و چهار راه شرق و غرب و نقطه‌ی اتصال و ارتباط بسیاری از اقوام و ملل، همواره از موقعیتی ممتاز برخوردار بوده‌است. سواحل طولانی خلیج فارس، دروازه‌ی گشوده‌ی ایران بر جهان است و به دلیل امکانات فراوان و غنی خود و نیز طبیعت متنوع و زیبایش، دریایی سرشار از نعمت و برکت را برای ایرانیان به ارمغان آورده است.

کشف منابع بی‌پایان نفتی و گازی در این منطقه، گسترش ارتباطات بین‌المللی و سرانجام برنامه‌های استعماری قدرت‌های سلطه‌گر جهانی، در دو قرن اخیر، بر اهمیت استراتژیک خلیج فارس افزوده و آن را به «سرزمین حیاتی» و «قلب» جهان (هارتلند) بدل ساخته است.

کشورهای استعمارگر با حضور نظامی سلطه‌جویانه‌ی خود و نیز با دامن‌زدن به سیاست‌های تفرقه‌افکنانه، سعی در ملت‌سازی و دولتی‌سازی‌های بی‌پایه داشته‌اند. جعل حقایق تاریخی از سوی این کشورها و قدرت‌های زورگو، زمینه‌ای شده است برای پایه‌گذاری سیاست خشم و نفرت و جدایی در منطقه که روح همزیستی مسالمت‌آمیز حاکم بر روابط میان مردم را تهدید می‌کند.

در نقطه‌ی مقابل، شناخت واقعیت‌ها و حقایق تاریخی و دفاع علمی از آنها، به ناکامی این سیاست‌ها، تثبیت آرامش و صلح در منطقه و پیشرفت روزافزون مردم منطقه منجر می‌شود و خون لازم برای حیات اقتصادی جهان امروز را به رگ‌های تشنه در اقصی نقاط جهان تزریق می‌کند.

مؤسسه‌ی خانه کتاب افتخار دارد که با همراهی شمار بسیاری از فرهیختگان و صاحب‌نظران، مجموعه مقالاتی درباره‌ی ابعاد مختلف تاریخی، جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی خلیج فارس را تحت عنوان «پژوهش‌نامه خلیج فارس» به علاقه‌مندان ارائه کند. مشتاقانه آرزو مندیم تا با دریافت نظرات صائب و راهگشای اساتید و دانشمندان بزرگ این سرزمین، مجلدهای بعدی این مجموعه را با وسعت و قوت افزون‌تر آماده و عرضه کنیم.

در سال ۱۳۹۰ دفترهای اول، دوم و سوم با مقالاتی از صاحب‌نظران این حوزه از سوی خانه کتاب منتشر شد که مورد استقبال قرار گرفت. همین موضوع ما را بر آن داشت تا دفترهای دیگری را در حوزه پژوهش‌های خلیج فارس منتشر کنیم.

در پایان فرصت را مغتنم شمرده، از همه‌ی عزیزانی که در تدوین این دفتر ما را یاری کرده‌اند، به‌ویژه از دکتر عبدالرسول خیراندیش و آقای مجتبی تبریزنیا، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم و از خداوند منان توفیق روزافزون این عزیزان را خواهانم.

علی شجاعی صائین

دماج ۰۰۰

بین این شگفتی که دهقان چه گفت بدانگه که بگشاد راز از نهفت
به شهر کجاران به دریای پارس چه گوید ز بالا و پهنای پارس
(شاهنامه فردوسی)

چهارمین دفتر از مجموعه پژوهش‌های خلیج فارس پیش روی شماست. سپاس یزدان پاک که بار دیگر توفیق را رفیق ساخت تا از پس نزدیک به یک سال تلاش مستمر، تحفه‌ای تقدیم علاقمندان و ایران دوستان و پژوهشگران حوزه خلیج فارس نماییم.

در مورد محورهای موضوعی این مجموعه لازم به ذکر می‌دانم که از نظر جغرافیایی تنها محدود به «خلیج فارس» نیست بلکه تمام پهنه‌ی آبی «دریای پارس» (شامل خلیج فارس و دریای عمان) را دربر می‌گیرد زیرا هم به لحاظ مرزهای آبی، هم از نظر گستره‌ی فرهنگی و هم به دلیل پیشینه‌ی تاریخی، تمام جنوب ایران در پیوند با دریای پارس قرار دارد. ایرانیان در طول سده‌های گذشته از طریق دریای پارس در اقیانوس هند و دریای سرخ و سواحل آفریقا حضور پر رنگ اقتصادی داشته‌اند. وجود آثار تاریخی و کشف اشیاء باستانی در سریلانکا، سواحل هندوستان و سواحل شرقی آفریقا نشان می‌دهد که دریای پارس و پیوندهای تمدنی آن، تا هرکجا که باشد، در محور موضوعی این مجموعه قرار می‌گیرد.

اما از نظر موضوع تخصصی، پژوهشنامه خلیج فارس بر محور پژوهش‌های «تاریخی» استوار گشته است، هرچند به دلیل اهمیت مطالعات بین‌رشته‌ای از دو حوزه‌ی «باستان‌شناسی» و «مردم‌شناسی» که در پیوند با مطالعات تاریخی می‌توانند عرصه‌های جدیدی را بگشایند، نیز مقالاتی در این مجموعه قرار دارد. بخش پایانی هم به موضوع مشترک همه‌ی شاخه‌های دانش یعنی «نقد و معرفی کتاب» اختصاص دارد.

مهم‌ترین ویژگی این دفتر، تألیفی بودن تمام مقالات است. تنها دو مقاله براساس ترجمه نگارش یافته‌اند که البته آن‌ها ترجمه‌ی مقالات پژوهشی نیستند بلکه برگردان دو منبع دست اول تاریخی،

یک گزارش و یک سفرنامه (یکی متعلق به اواخر حکومت ملوک هرمز و دیگری متعلق به دوره قاجار) هستند. این دو ترجمه با تحقیقات و توضیحات مفصلی همراه شده‌اند. از مجموع بیست و یک مقاله‌ی این دفتر، پانزده مقاله به «پژوهش‌های تاریخی» اختصاص یافته، یک مقاله‌ی باستان‌شناسی، چهار مقاله در حوزه‌ی فرهنگ مردم و یک مقاله نقد و معرفی کتاب است.

الف) پژوهش‌های تاریخی:

۱. در نخستین مقاله با عنوان «هیرون؛ موهبت گرما برای دریای پارس»، دکتر عبدالرسول خیراندیش نشان داده‌اند که گرمای جنوب (هیرون) چگونه برای مردم جنوب کشورمان که به خوبی با آب و هوای آن سازگاری یافته‌اند، همواره رونق، ثروت، سعادت و امنیت را به ارمغان آورده است، درحالی که بیگانگان، چه استعمارگران اروپایی و چه مهاجمان دشت‌های آسیای مرکزی را وادار به گریز نموده است.
۲. در مقاله‌ی «بنادر و مراکز مهم تجاری و استقرار دوره‌ی اشکانی خلیج فارس در منابع کلاسیک»، نویسنده براساس منابع نوشتاری کلاسیک مانند آثار پلینی و بطلمیوس و نیز کتاب *پریپولس*، مراکز مهم استقرار سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس را در دوره‌ی اشکانیان معرفی نموده، مکان فعلی شماری از آن‌ها را نیز مشخص نموده است.
۳. در مقاله‌ی «از خلیج فارس (سیراف) تا اقیانوس هند (سریلانکا)؛ مناسبات بازرگانی پارسیان خلیج فارس با بنادر اقیانوس هند در قرون نخستین اسلامی تا قرن پنجم هجری، براساس شواهد باستان‌شناختی و منابع نوشتاری»، روابط بازرگانی دریایی سیراف با دو بندر مهم اقیانوس هند، «بنبهور» (دیبال) در سواحل کشور پاکستان کنونی و «مانتایی» (در کشور سریلانکای امروزی) در قرون نخستین اسلامی تا قرن پنجم، بر پایه‌ی شواهد باستان‌شناسی و منابع تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است.
۴. در مقاله‌ی «موقعیت تجاری دریای پارس در عصر سلجوقی»، شرایط تاریخی دریای پارس در عصر سلجوقیان توصیف شده و نویسنده نشان داده است که چگونه افول بندر «سیراف» در اثر زوال آلبویه موجب شکوفایی بندر «هرمز» و «تیز» در اثر برآمدن سلجوقیان در ربط با امنیت و رونق موقعیت کرمان و مکران شد و به همین ترتیب با ضعف سلجوقیان، بندر «بصره» و جزیره‌ی «کیش» جای بندر «تیز» و «هرمز» را گرفتند.
۵. مقاله‌ی «گوشه‌ای از پیوندهای دریایی ایران و چین؛ ژنگ‌خه در دریای پارس»، درباره‌ی یک دریانورد مشهور چینی به نام ژنگ‌خه است که در قرن نهم هجری با ناوگان خود به خلیج فارس و جزیره‌ی پرورونق هرمز سفر نموده است.

۶. در مقاله‌ی «اوضاع اجتماعی و اقتصادی جزیره‌ی هرموز در واپسین روزهای حکومت ملوک هرموز به روایت باربوسا»، تصویری از حیات اقتصادی و اجتماعی هرموز در واپسین روزهای حکومت ملوک هرمز برپایه‌ی ترجمه‌ی بخشی از کتاب *دوارته باربوسا*، از کارگزاران پرتغالی‌ها در اوایل قرن ۱۶ م / ۱۰هـ ق ارائه شده است.

۷. مقاله‌ی «وضعیت تجاری خلیج فارس به روایت سیاحان اروپایی روزگار صفویه»، به بررسی وضعیت خلیج فارس در عصر صفویه از منظر اقتصادی و بازرگانی، برپایه‌ی سفرنامه‌های اروپاییان می‌پردازد.

۸. در مقاله‌ی «بندر عباسی در عصر صفوی از نگاه یک پزشک آلمانی (براساس نامه‌های انگلبرت کمپفر)» تصویری از حیات اجتماعی بندرعباس در عصر صفوی برپایه‌ی نامه‌های انگلبرت کمپفر، پزشک و سیاح آلمانی در ایام اقامتش در این بندر به دست داده شده است.

۹. *خواجه‌ها و هندوها (بانیان) دو گروه بازرگانان هندی بودند که در مناطق مختلف خلیج فارس به تجارت مشغول بودند.* در مقاله‌ی «مراکز استقرار بازرگانان هندی در سواحل شمالی خلیج فارس، با تکیه بر فرهنگ *جغرافیایی لوریمر*»، پراکندگی و وضعیت این دو گروه در خلیج فارس برپایه‌ی فرهنگ *جغرافیایی لوریمر* مورد بررسی قرار گرفته است.

۱۰. در روند سلطه‌ی انگلستان بر خلیج فارس، قرارداد ۱۸۲۰ م / ۱۲۳۵هـ ق، میان این دولت استعماری با شیوخ سواحل جنوبی خلیج فارس، یک نقطه‌ی عطف به حساب می‌آید. مقاله‌ی «نقش قرارداد ۱۸۲۰ در تسلط انگلستان بر سواحل جنوبی خلیج فارس» به ماهیت و پیامدها و آثار این قرار داد می‌پردازد.

۱۱. ادوارد استاک یکی از کارگزاران حکومت هند انگلیس بود که در دوره‌ی ناصرالدین شاه قاجار، در سال ۱۸۸۱ م / ۱۲۹۸هـ ق از طریق خلیج فارس و بندر بوشهر وارد ایران شد و بعد از حدود شش ماه گشت و گذار در ایران، از طریق دریای خزر و روسیه، ایران را ترک کرد. بخشی از سفرنامه‌ی او که تاکنون به فارسی ترجمه نشده است، شامل مسافرتش در خلیج فارس تا شیراز در مقاله‌ی «از هند تا شیراز؛ سفرنامه ادوارد استاک به ایران از خلیج فارس»، ترجمه و با توضیحات مفصل به چاپ رسیده است.

۱۲. در مقاله‌ی «ماجرای قتل مستر گریوز انگلیسی در سواحل دریای عمان» نویسنده نشان داده است که قتل مستر گریوز، رئیس تلگراف جاسک تا گوادر در سال ۱۸۹۷ به دست گروهی از بلوچ‌ها، برآیند احساسات ضد انگلیسی در مناطق بلوچستان بوده است نه آنگونه که منابع انگلیسی به شورش و چپاول نسبت داده‌اند.

۱۳. نویسنده در مقاله‌ی «خلیج فارس در رقابت‌های روس و انگلیس در اوایل سده‌ی بیستم» به واکاوی رقابت‌های روسیه و انگلستان در خلیج فارس در اوایل سده‌ی بیستم پرداخته است.

۱۴. مقاله‌ی «بررسی مسئله‌ی بهداشت در سواحل و بنادر ایران در خلیج فارس، از کودتای ۲۸ مرداد تا انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۳۲)، با تکیه بر اسناد و مذاکرات مجلس شورای ملی»، پژوهشی سندشناسانه است که در آن، نویسنده موضوع بهداشت در نواحی جنوبی کشور را در فاصله‌ی زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ ه.ش، عمدتاً بر اساس اسناد مجلس شورای ملی، مورد بررسی قرار داده است.

۱۵. در مقاله‌ی «تاریخچه‌ی شورای همکاری خلیج فارس»، ضمن مروری بر تاریخچه‌ی این شورا، علل و عوامل ناکارآمدی و ضعف این نهاد منطقه‌ای تجزیه و تحلیل شده است.

ب) پژوهش‌های باستان‌شناسی:

۱۶. در فصل دوم که به پژوهش‌های باستان‌شناسی اختصاص دارد، طی مقاله‌ی «لایه نگاری «تم مارون» و «سلطان میران»؛ رودان، هرمزگان؛ پاییز و زمستان ۱۳۸۶»، گزارش مفصلی از یافته‌های باستان‌شناسی در جریان لایه‌نگاری دو تپه‌ی تاریخی به نام‌های «تم مارون» و «سلطان میران» در سال ۱۳۸۶، در دشت کمیز، در شهرستان رودان، در استان هرمزگان ارائه شده است. این مقاله با تصاویر و نقشه‌ها و طرح‌ها و جدول‌های متعددی همراه است.

پ) پژوهش‌های مردم‌شناسی

۱۷. فصل سوم شامل مقالات مردم‌شناسی است. در مقاله‌ی «آداب و رسوم متأثر از دریا و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن‌ها در سواحل شمالی خلیج فارس» مجموعه‌ای از آیین‌ها و آداب و رسوم رایج در کرانه‌های شمالی خلیج فارس معرفی شده‌اند؛ آیین‌های همچون «باران‌خواهی»، «گلی‌ساختن»، «شوشی و رزیف»، «چهاردهی»، «دریامابر» و سنت‌های پیش‌بینی وضعیت هوا و دریا و نوروز.

۱۸. در مقاله‌ی «واژگان معماری سنتی خلیج فارس»، فهرستی از واژگان مرتبط با معماری سنتی نواحی جنوبی کشور (از منظر ادبی و زبانی نه معماری) گردآوری شده است، اصطلاحاتی همچون: برکه، بستکیه، پنج دری، تارمه، چنکی، خضرا، خواجه گردان، دُگنجی، سابات، سه دری، منظری، هواخش... .

۱۹. در مقاله‌ی «گذری بر فرهنگ مردم جاسک (آیین‌ها، باورها، آداب و رسوم با تأکید نقش دریا در زندگی مردم)»، با فرهنگ و برخی آیین‌ها و باورهای مردم بندر جاسک، بر ساحل دریای عمان، در استان هرمزگان آشنا می‌شویم.

۲۰. آیین «تعزیه» در میناب از پیشینه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نویسنده در مقاله‌ی «تعزیه در میناب»، ضمن اشاره به تاریخچه و برشمردن ویژگی‌های تعزیه‌ی میناب، نقش مرحوم قضایی، شاعر مینابی عصر قاجار و اشعار او را که در تعزیه‌ها خوانده می‌شود، مورد بررسی قرار داده است.

ت) نقد و معرفی کتاب

۲۱. در آخرین مقاله با عنوان «معرفی اجمالی نسخه‌ی خطی منحصر به فرد عقد جید الدرر فی معرفه حساب نوروز اهل البحر»، یک نسخه‌ی خطی در ارتباط با دریانوردی سنتی معرفی شده است. این کتاب

یادداشت‌های روزانه‌ی یک ناخدا از شوال ۱۲۱۳ هـ.ق تا جمادی‌الآخر ۱۲۱۷ هـ.ق و شعبان ۱۲۵۹ تا رمضان ۱۲۶۰ هـ.ق است.

در آماده‌سازی مقالات تنها تلاش شد از نظر رسم‌الخط و شیوه‌ی نگارش و تنظیم مطالب، یکدستی انجام شود، بنابراین کمترین ویرایش محتوایی و ادبی صورت گرفت تا به سیاق نگارش نویسندگان لطمه‌ای وارد نشود و دیدگاه و نظراتشان دچار خدشه نگردد و روح حاکم بر مطلب حفظ گردد.

نکته‌ی دیگر اینکه تلاش شده است به هیچ روی عبارت مجعولی که برای این دریای پارسی بر ساخته شده است، تحت هیچ عنوانی، حتی در مشخصات کتابشناختی و مستندات و ارجاعات، به کار نرود. در مواردی که نام «فارس» از ترکیب «خلیج فارس» حذف شده بود، آنرا داخل کروشه به صورت «خلیج [فارس]» و برابر انگلیسی آن به صورت «[Persian] Gulf» افزودیم، و در مورد نام ساختگی و مجعول، آنرا به صورت «خلیج الع...» و برابر انگلیسی آنرا به صورت: «A...Gulf» نشان دادیم.

فراهم آمدن این دفتر را مرهون الطاف گروه کنیری از پژوهندگان و اندیشمندانم که برخی از ایشان نام و مقاله‌شان زیور این دفتر است. از همراهی همه‌ی این عزیزان صمیمانه تشکر می‌کنم.

از آقای علی شجاعی صائین، مدیرعامل فرهیخته و نیک‌اندیش خانه کتاب که تعلق خاطری ویژه به خلیج فارس دارند و با حمایت بی‌دریغشان موجب انتشار این مجموعه شدند، صمیمانه سپاسگذاری می‌کنم. همچنین از معاون فاضل خانه کتاب، جناب آقای علی اوجبی که زمینه‌ی انتشار اثر را فراهم ساختند سپاسگزارم.

از راهنمایی‌های عالم جوان، دکتر حسین کیان‌راد که با فروتنی همواره همراه این مجموعه بوده‌اند؛ از دکتر سیروس نصرالله‌زاده و آقای سهراب سعیدی که در گسترش حلقه‌ی پژوهشگران این مجموعه یاری رساندند، از سرکار خانم لیندا گودرزی به خاطر بازخوانی و تهیه‌ی چکیده‌های انگلیسی مقالات، و سرانجام از گروه مشاوران و داوران مقالات که از ذکر نامشان معذورم، قدردانی می‌کنم.

در خاتمه از تلاش‌های خانم‌ها سولماز پرستاری و سمانه نوروزی که در آماده‌سازی کتاب دقت و همت و حوصله‌ی زیادی به خرج دادند، تشکر می‌کنم.

مجتبی تبریزیا

فروردین ۱۳۹۱

فصل اول

پژوهش‌های تاریخی

ماجرای قتل مستر گریوز انگلیسی در سواحل دریای عمان

عبدالله صفرزایی*

چکیده

در نوشته‌ی حاضر تلاش شده شمه‌ای از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سواحل مکران در اواخر دوره‌ی قاجاریه بازگو شود. ابتدا به پیشینه‌ی حضور بیگانگان در سواحل ایرانی دریای عمان با تمرکز بر دوران نفوذ انگلیسی‌ها اشاره شده است. پس از آن ماهیت سیاست‌های استعماری انگلیس، واکنش اهالی منطقه در برابر آن‌ها و نقش حکومت قاجاریه در قبال این مسایل به طور اجمال بررسی شده است. مهم‌ترین مسأله‌ای که به آن پرداخته شده، اثبات این نکته است که کشته شدن مستر گریوز^۱ و دیگر مأموران انگلیسی به دلیل ربودن اموال آنان نبوده، بلکه این حادثه برآیند اوج‌گیری احساسات ضد انگلیسی در بلوچستان بوده است. مجموعه‌ای از رویدادها بر علیه حضور انگلیسی‌ها در حال تبدیل شدن به یک قیام سراسری بر علیه انگلیسی‌ها بود که بنا بر عواملی به نتیجه‌ی مطلوب نرسید. حادثه قتل مستر گریوز در این چارچوب مورد بررسی قرار گرفته است. در پایان به عواقب ناشی از این حادثه نیز اشاره شده است.

واژگان کلیدی: ایران، انگلیس، دریای عمان، مکران، بلوچستان، مستر گریوز.

درآمد

مستر گریوز، از افراد مشهور انگلیسی و رییس اداره‌ی تلگراف «جاسک» تا «گوادِر» بود که در سال ۱۸۹۷م. در محل رودخانه‌ی راچ^۲، به قتل رسید. قتل این افسر انگلیسی حادثه‌ای معمولی یا

* عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه ولایت، ایرانشهر.

1. Graves.

۲. این رودخانه از کوه‌های «فنج» و «سرحه» سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از تنگه‌ی «فنج» و «بنت» مسیری طولانی را طی می‌کند و به دریای عمان می‌ریزد.

جزیی نبود، بلکه یک جریان برنامه‌ریزی شده‌ای بوده که عواقب و نتایج مهمی به دنبال داشت. از جمله مهم‌ترین منابع مکتوبی که همزمان با این حادثه یا اندکی پس از آن نگاشته شده‌اند، سفرنامه‌های انگلیسی‌ها، خصوصاً *سفرنامه‌ی سر پرسی سایکس* می‌باشد که مسلماً مسایل را یک‌جانبه تحلیل و بررسی کرده است. در این مقاله سعی شده علاوه بر استفاده‌ی مستدل و دقیق از منابع مورد اشاره، از دیگر منابع و همچنین روایات شفاهی محلی نیز کمک گرفته شود تا ابعاد چندگانه‌ی این قضیه مورد بررسی قرار گیرد. از آن جایی که در زمان‌های گذشته به بلوچستان و سواحل شمالی دریای عمان، «مکران» می‌گفتند در برخی جاها به جای بلوچستان و سواحل عمان از عنوان مکران استفاده شده است.

پیشینه‌ی حضور بیگانگان در سواحل دریای عمان

اگر از جریان سفر دریایی پر ماجرای *نارخوس* (دریاسالار اسکندر مقدونی)، از طریق سواحل دریای عمان و خلیج فارس در قرن چهارم قبل از میلاد، صرف‌نظر کنیم، نخستین اروپاییانی که در این مناطق ساحلی حضوری همه‌جانبه یافتند، پرتغالی‌ها بودند. پس از به‌هم خوردن معادلات جهانی در نیمه‌ی دوم قرن پانزدهم میلادی و به دنبال مطالعات جغرافیایی، طی سفرهای متعددی پای این استعمارگران بیگانه به اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج فارس باز شد. از مشهورترین سرکردگان استعمارگر پرتغالی در روزهای آغازین حضورشان در آب‌های گرم جنوبی ایران، *آلفونسو دو البوکِرک*^۳ بود. وی که به موقعیت مهم سیاسی، اقتصادی و تجاری جزیره‌ی هرموز پی برده بود، این جزیره را در سال ۱۵۰۷م. به طور موقت تصرف و از سال ۱۵۱۵م. به طور کامل بر آن تسلط پیدا کرد.^۴ پرتغالی‌ها به تدریج دایره‌ی نفوذشان را بر مناطق پیرامونی این جزیره در خلیج فارس و دریای عمان گسترش دادند. مهم‌ترین بنادر ساحلی آن زمان در سواحل شمالی دریای عمان، بندر «تیس» و بندر «گوادر» بودند. بندر تیس، امروزه به‌صورت روستایی در نه کیلومتری شمال غرب چابهار قرار گرفته که آثار تاریخی‌اش به وضوح قابل مشاهده است.

اگر بپذیریم استعمارگران پرتغالی از محتوای *سفرنامه‌ی نارخوس* راجع به سواحل دریای عمان آگاه بوده‌اند، یقیناً نسبت به حضور و تسلط بر بنادر ساحلی این دریا وحشت زیادی داشته‌اند، زیرا از متن *سفرنامه‌ی مذکور* چنین برمی‌آید که علاوه بر شرایط سخت محیطی، ساکنان این منطقه سخت‌کوش و مبارز بوده و کمتر با بیگانگان کنار می‌آمده‌اند. شرایط سخت جغرافیایی، گرمای شدید، کوه‌ها، صحراها و پراکندگی آبادی‌های بلوچستان به حدی است که اعراب مسلمان نیز پس از تصرف آن، نتوانستند آنجا دوام بیاورند. به روایت *طبری*، پس از فتح مکران و ارسال غنایم به مدینه، وقتی

3. Alfonso de Albuquerque.

۴. وثوقی، محمدباقر: *خلیج فارس و ممالک همجوار*، تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۸۴، صص ۱۹۴ تا ۲۱۱.

خلیفه‌ی دوم توصیف آن سرزمین را شنید، مسلمانان را از ادامه‌ی پیشروی بر حذر داشت. از متن نامه‌ای که راجع به فتح مکران به مرکز خلافت ارسال شده، چنین استنباط می‌شود که اگر لشکریان زیادی در این منطقه استقرار می‌یافتند، در اثر کمبود آذوقه تلف می‌شدند و در صورتی که لشکریان اندکی اعزام می‌شدند، توسط بومیان از بین می‌رفتند.^۵

همچنان که گفته شد، استعمارگران پرتغالی پس از استقرار در جزیره‌ی هرموز، قصد تسلط همه‌جانبه‌ی اقتصادی، تجاری و نظامی بر آب‌های اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج فارس را داشتند، بنابراین تصرف و احاطه بر سواحل شمالی دریای عمان (مناطق جنوبی مکران)، نیز در برنامه‌هایشان بود. به نظر می‌رسد بر اساس معاهده‌ای که احتمالاً میان آلبوکرک و شاه اسماعیل صفوی، در سال ۹۲۱ هـ.ق منعقد شد، پرتغالی‌ها علاوه بر همکاری با صفویان، سرکوب اقوام ساحلی مکران را اقدامی در راستای پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی خود می‌دانستند. به موجب بند سوم معاهده‌ی مذکور، پادشاه ایران که فاقد نیروی دریایی بود، ناچار سلطه‌ی پرتغالی‌ها را بر هرموز پذیرفت و در عوض از پرتغالی‌ها خواسته بود برای دفع شورش بلوچ‌ها در منطقه‌ی ساحلی بین جاسک تا سند به ایران کمک نمایند.^۶ آلبوکرک به این تقاضا قول مساعد داد، مشروط بر اینکه در این منطقه و خصوصاً بندر گوادر از کالاهایی که به سمت هرموز می‌رود، جلوگیری به‌عمل نیاید.^۷ احتمالاً این همکاری به سبب مرگ آلبوکرک یا مسایل دیگر به‌جایی نرسید. پرتغالی‌ها قلعه‌ای نیز در بندر تیس بنا کردند و با مرکزیت آنجا و بندر گوادر، سواحل شمالی دریای عمان را تحت‌نظر داشتند. علی‌رغم تفوق نیروی دریایی استعمارگران پرتغالی، اهالی مکران هیچ‌گاه تسلیم نشدند. اسناد پرتغالی نیز از مقاومت‌های سرسختانه‌ی اقوام محلی آنجا خبر می‌دهند. اینکه آنان قلعه‌ی تیس و گوادر را در سال ۹۸۹ هـ.ق ویران کرده‌اند،^۸ شاید به خاطر مقاومت‌های سرسختانه‌ی ساکنان منطقه در برابر آنان بوده باشد. مبارزات بلوچ‌ها در برابر استعمارگران پرتغالی به حدی شدید و مداوم بوده که حکایت‌های فراوانی راجع به آن‌ها در داستان‌های شفاهی محلی روایت می‌شود. نمونه‌ی آشکار آن، قهرمانی‌ها و دلاوری‌های *خَمَل پسر چیند*، در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری است که به صورت شخصیتی اسطوره‌ای ستایش می‌شود.^۹

۵. طبری، ابی‌جعفر محمد بن جریر: *تاریخ الطبری تاریخ الامم و الملوک*، منشورات محمدعلی بیضون، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا، المجلد الثانی، ص ۵۵۵.

۶. وثوقی، پیشین، ص ۲۱۲.

۷. همان، ص ۲۱۳.

۸. اسپونو: «بلوچ و بلوچستان» در *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، جلد چهارم، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۱۰.

۹. افشار (سیستانی)، *ابرج: چابهار و دریای پارس*، زاهدان: انتشارات صدیقی، ۱۳۷۲، صص ۳۲۸ تا ۳۳۷.

چگونگی حضور انگلیسی‌ها در نواحی ساحلی دریای عمان

انگلیسی‌ها به عنوان دومین استعمارگران اروپایی در آب‌های جنوبی ایران، نخستین بار از طریق بنادر ساحلی عمان و خصوصاً بندر جاسک، روابط تجاری و اقتصادی‌شان را با ایران آغاز کردند. به علت نفوذ کامل استعمارگران پرتغالی در خلیج فارس، آنان در آغاز بنادر ساحلی دریای عمان مانند گوادر، تیس و جاسک را برای روابط تجاری با ایران مناسب دانستند. چنان‌که سررابرت شرلی^{۱۰}، در سال ۱۶۱۷م/ ۱۰۲۶هـ ق ضرورت تأسیس کارخانه‌ای را در بندر گوادر به کمپانی هند شرقی توصیه کرد^{۱۱}. نخستین تلاش کمپانی هند شرقی برای رخنه در بازار ایران در سال ۱۶۱۵م/ ۱۰۲۴هـ ق بود. جان کراور^{۱۲} و ریچارد استیل^{۱۳} انگلیسی به عنوان فرستادگان کمپانی به دربار ایران، پس از بررسی بنادر متعدد، بندر جاسک را در ساحل مکران، در شرق هرمز، انتخاب کردند^{۱۴}. در نوامبر ۱۶۱۶م. اولین کشتی بازرگانی انگلیسی به نام «کینگ جیمز»^{۱۵} علی‌رغم مخالفت پرتغالی‌ها، در بندر جاسک لنگر انداخت. به همراه این کشتی یک هیأت بازرگانی به ریاست ادوارد کاناک^{۱۶}، به ایران وارد شدند. آنان پس از مذاکره با شاه عباس، اجازه یافتند به طور آزاد در سراسر ایران به تجارت بپردازند و شعبه‌ای از کمپانی را در جاسک و یا هر بندری که خواسته باشند، تأسیس نمایند^{۱۷}. در سال ۱۶۱۹م، شعبه‌ی کمپانی هند شرقی در بندر جاسک گشوده شد و تا قبل از بندر عباسی مرکز مبادلات کمپانی با پایتخت ایران بود^{۱۸}. اعطای امتیازات از جانب شاه عباس به انگلیسی‌ها به منظور کمک گرفتن از آنان برای اخراج پرتغالی‌ها از جزیره‌ی هرموز و خلیج فارس بود. سرانجام قوای مشترک ایران و انگلیس در ششم ماه مه ۱۶۲۲م / بیست و یکم جمادی‌الثانی ۱۰۳۱هـ ق، پرتغالی‌ها را شکست دادند و برای همیشه از خلیج فارس بیرون راندند^{۱۹}. پس از این واقعه، انگلیسی‌ها نه تنها مرکز مبادلات تجاری با ایران را به بندر عباسی انتقال دادند، بلکه در آن شهر کنسولگری نیز تأسیس کردند^{۲۰}. به تدریج استعمارگران هلندی و فرانسوی نیز به‌عنوان رقیبان جدی انگلستان در خلیج فارس حضور پیدا

10. Robert Sherly.

۱۱. اسپونر، پیشین، ص ۱۱۰.

12. John Crawther.

13. Richard steel.

۱۴. سیوری، راجر: *ایران عصر صفوی*، ترجمه‌ی کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چاپ دهم، ۱۳۸۱، صص ۱۰۹-۱۱۰.

15. King games .

16. Edward Conock.

۱۷. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ: *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره قاجاریه تا پایان جنگ جهانی دوم*، تهران: امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۸۱، صص ۸۸-۸۹.۱۸. اسدی، بیژن: *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۸، ص ۹۱.

۱۹. وثوقی، پیشین، ص ۲۶۳.

۲۰. مهدوی، پیشین، ص ۹۲.

کردند. حتی برای مدتی کوتاه هلندی‌ها بر انگلیسی‌ها برتری یافتند. نهایتاً نفوذ آنان از بین رفت و تنها انگلیسی‌ها بودند که از این پس برای ساکنان ایرانی خلیج فارس و دریای عمان مایه‌ی دردسر بودند.

نخستین توجه جدی انگلستان به سواحل مکران و بلوچستان به اوایل دوره‌ی قاجاریه برمی‌گردد. در این دوره با مطرح شدن مسایل جدید منطقه‌ای و جهانی، آنان به سیاست‌های نوین روی آورده و مسایل بازرگانی، کاملاً تبدیل به مسایل سیاسی و نظامی شد. زیرا در جریان رقابت‌های منطقه‌ای و فشار قدرت‌های دیگر اروپایی، از جمله روس‌ها و فرانسوی‌ها به انگلستان از طریق هندوستان و توجه حکومت قاجاریه به مرزهای شرقی کشور، سرزمین‌های مجاور هندوستان به عنوان معابر دسترسی به آن سرزمین، اهمیت خاصی پیدا کرد. خطر حمله‌ی ناپلئون به هندوستان از مسیر ایران، جنگ‌های ایران و روس، نزدیکی دربار قاجاریه به فرانسوی‌ها و پذیرفته نشدن سرجان ملکم از سوی دربار ایران، واکنش‌های اساسی میان دولتمردان انگلیسی به وجود آورد. در چنین شرایطی کمپانی هند شرقی و دولت انگلیس تصمیم گرفتند به منظور ایجاد کمر بند حایل، با وجود شرایط سخت، سرزمین‌های شمال غربی هند را مورد شناسایی قرار دهند.^{۲۱} آن‌ها به این منظور شماری از هندیان را در فنون نقشه‌برداری آموزش داده، در ظاهر و لباس روحانیان مسلمان به این نواحی فرستادند.^{۲۲} علاوه بر این، دو نفر از افسران انگلیسی مأموریت یافتند مستقیماً از بلوچستان بازدید نموده، اطلاعات لازم را به دست آورند.

کاپیتان گرانث^{۲۳}، نخستین افسر انگلیسی بود که توانست طی مأموریتی در سال ۱۸۰۹ م / ۱۲۲۴ هـ ق تمام سرزمین‌های بین خلیج «گواتر» و بندر جاسک را شناسایی کرده، راه ورود به بلوچستان را برای دیگر هم وطنانش هموار کند.^{۲۴} مأمور نظامی دیگر انگلیسی، ستوان هنری پاتینجر^{۲۵} بود که در سال ۱۸۱۰ م از مسیر سند به «کلات»^{۲۶} و از آنجا به «نوشکی» (مرکز اتصال راه‌های بلوچستان و سیستان) رفته، از طریق «سراوان» به «بمپور» و سپس «بم» و کرمان رفت.^{۲۷} وی اجازه یافت شرح مسافرت و نقشه‌ی مسیر خود را به صورت کتابی در سال ۱۸۱۶ م منتشر کند. این کتاب بعدها توسط شاهپور گودرزی به زبان فارسی ترجمه شد. در سفرنامه‌ی این افسر انگلیسی

۲۱. سپاهی، عبدالودود: *بلوچستان در عصر قاجار*، قم: گلستان معرفت، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۶۰-۶۱.

۲۲. همان، ص ۶۲.

23. Grant.

۲۴. اسپونر، پیشین، ص ۱۱۴-۱۱۵.

25. Henry pottinger.

۲۶. مرکز بلوچستان شرقی یا بلوچستان انگلیس.

۲۷. پاتینجر، هنری: *مسافرت سند و بلوچستان*، ترجمه‌ی شاهپور گودرزی، تهران: کتابفروشی دهخدا، ۱۳۴۸، ص ۲۱ تا ۳۴۹.

انواع ترفندها و حيله‌های آنان چشم هر خواننده‌ای را خیره می‌کند. در نتیجه‌ی این مسافرت‌ها، اطلاعات فراوانی در مورد قبایل و رؤسای آن‌ها، شمار جنگجویان تحت فرمان هر یک از قبایل و اوضاع طبیعی این سرزمین‌ها به دست آمد که موجب آشنایی انگلیسی‌ها با این بخش از ایران شد. دومین مسئله‌ای که باعث حضور همه‌جانبه‌ی انگلیسی‌ها در سواحل مکران شد، احداث خطوط تلگراف بود. پس از آنکه سپاهیان هند در سال ۱۸۵۷ م / ۱۲۷۴ هـ ق بر علیه انگلستان شورش کردند، دولتمردان انگلیس به فکر ایجاد ارتباط تلگرافی با هندوستان افتادند.^{۲۸} آنان به این منظور توانستند امتیاز کشیدن خطوط تلگرافی را در سال ۱۸۶۲ م / ۱۲۷۹ هـ ق با دولت ایران به امضا برسانند.^{۲۹} ایجاد خطوط تلگرافی برای انگلستان اهمیت زیادی داشت. به گفته محمود محمود «رشته‌ی سیم تلگراف با رشته‌ی سیاست انگلیس در ایران مربوط می‌شد. چه از هر محلی که سیم تلگراف عبور می‌کرد، نفوذ دولت انگلیس بر آنجا برقرار می‌شد».^{۳۰} با برقراری خطوط تلگراف، سواحل ایران از ارون‌درود تا انتهای بلوچستان تحت نظارت و کنترل انگلیسی‌ها قرار می‌گرفت.

در سال ۱۸۵۹ م / ۱۲۷۶ هـ ق کشیدن خطوط ارتباطی آغاز شد. از آنجایی که مسیر سیم تلگراف خشکی حدود ۲۴۰ کیلومتر در خاک بلوچستان امتداد می‌یافت^{۳۱}، در سال ۱۸۶۱ م / ۱۲۷۸ هـ ق سرهنگ فردریک گلداسمیت، با تعدادی مهندس، مأمور نقشه‌برداری و دیدار با خوانین بلوچ شد. جریان احداث، نگهداری و مراقبت از خطوط تلگرافی، توازن جغرافیایی - سیاسی ناحیه را تغییر داد. زیرا بر مناطق تحت حاکمیت ایران از جاسک تا گوادر، سلطان نشین عمان، خان نشین کلات و سرداران محلی تحریک شده توسط انگلیسی‌ها، چشم طمع داشتند.^{۳۲} عمان که در اوایل دوره‌ی قاجاریه بر بعضی از جزایر و بنادر سواحل شمالی دریای عمان (مانند چابهار و گوادر)، نفوذ یافته بود^{۳۳}، چنین درخواستی داشت. لیکن با تصرف چابهار به دست دین محمد سردارزایی، حاکم «باهو» و «دشتیاری» در سال ۱۲۸۱ یا ۱۲۸۲ هـ ق، عمان هرگز نتوانست آنجا را بگیرد.^{۳۴} علاوه بر آن، ابراهیم-خان، حاکم بم و بلوچستان در سال ۱۲۸۲ هـ ق طی سفری به «قصر قند»، «چابهار» را تصرف کرد و در سال ۱۲۸۹ هـ ق به بعد این شهر به کنترل کامل دولت ایران درآمد.^{۳۵}

۲۸. سپاهی، پیشین، ص ۱۲۹.

۲۹. همان، ص ۱۳۰.

۳۰. محمود، محمود: تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، تهران: اقبال، ۱۳۵۸، جلد سوم، ص ۷۸۴.

۳۱. دامنی، عبدالغنی: سیمای تاریخی بلوچستان، تهران: انتشارات پاسارگاد، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۸۸.

۳۲. اسپونر، پیشین، ص ۱۱۸.

۳۳. ولایتی، علی‌اکبر: گزیده اسناد خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹، جلد دوم، ص ۴۹۰.

۳۴. اسپونر، پیشین، ص ۱۱۸.

۳۵. همانجا.

سرداران محلی به دلیل کم‌رنگ بودن نفوذ دولت مرکزی و تحریک انگلیسی‌ها، قصد داشتند سود ناشی از امتیاز خطوط تلگرافی را از آن خود سازند. در این هنگام میر عبدالله بلیدی از «گه»^{۳۶}، اراضی ساحلی از جاسک تا چابهار را در اختیار داشت و دین محمد سردارزایی، علاوه بر «باهو» و «دشتیاری»، بر نواحی ساحلی از چابهار تا گوادر مسلط بود^{۳۷}. تحت این شرایط مسئله‌ی حقوق دولت ایران در جنوب بلوچستان به طور رسمی مطرح شد و احساسات کهن ایرانیان نسبت به سرزمینشان بیدار گردید و ایشان را بر آن داشت تمام مکران را تا مرز انگلیس در سِند مدعی شوند^{۳۸}. تقاضای ایران مبنی بر اعاده‌ی حاکمیت مرکزی بر مناطق جنوبی، دست‌آویز مناسبی در اختیار انگلیسی‌ها قرار داد تا بتوانند سیاست‌هایشان را جامه‌ی عمل پوشانده، بخش‌هایی از بلوچستان را از ایران جدا سازند؛ لذا در چنین شرایطی کمیسیون مرزی مشترکی بین ایران و خان‌نشین کلات به حکمیت انگلیس تشکیل گردید و بخش‌هایی از خاک ایران در بلوچستان، از ایران جدا شد^{۳۹}.

با آنکه قرارداد رسمی خطوط تلگرافی با حکومت مرکزی وقت ایران به امضا رسید، به منظور محافظت از این خطوط، انگلیسی‌ها جداگانه با خوانین محلی در سواحل مکران مشغول مذاکره شدند و سالانه مبالغی به آنان پرداخت می‌کردند^{۴۰}. آن‌ها با پرداخت مبالغی به خوانین محلی نه تنها موفق به استفاده از نیروی کار ارزان و حفظ خطوط تلگرافی شدند، بلکه با مقاصد سیاسی خاصی بر بدبینی و اختلاف این حکام با حکومت قاجاریه می‌افزودند. جالب اینکه حکام محلی بخشی از مبالغ دریافتی از انگلیس را به عنوان مالیات سالانه به حاکمان قاجاری می‌پرداختند^{۴۱}. انگلیسی‌ها بارها از چنین موقعیت‌ها و روش‌هایی به منظور پیشبرد سیاست‌های استعماری‌شان استفاده کرده بودند. با احداث خطوط تلگراف، استعمارگران انگلیسی نه تنها بخش‌هایی از بلوچستان را جدا نمودند، بلکه این خطوط بهانه‌ای شد تا اهداف و خواسته‌هایشان را بیش از پیش بر نواحی ساحلی مکران یا بلوچستان تحمیل کنند.

علل مخالفت با انگلیسی‌ها و چگونگی مقابله با آنان

دولتمردان انگلیسی به بهانه‌ی مقابله با دزدان دریایی، تجارت برده و قاچاق اسلحه، عرصه را برای بومیان خلیج فارس و دریای عمان از نظر مراوده، تجارت، اقتصاد و حمل و نقل دریایی محدود کرده بودند؛ لذا در میان مردم منطقه نوعی تنفر عمومی نسبت به آنان و سیاست‌های استعماری‌شان به-

۳۶. نام قدیمی نیک‌شهر.

۳۷. اسپونر، پیشین، ص ۱۱۸.

۳۸. همانجا

۳۹. سپاهی، پیشین، ص ۱۴۹ تا ۱۶۹.

۴۰. برقعی، محمد: سازمان سیاسی حکومت محلی بنت، تهران: انتشارات مازیار، چاپ اول، ۱۳۳۶، ص ۲۱۵.

۴۱. همان، ص ۲۱۶.

وجود آمده بود. از ابتدای استقرار انگلیسی‌ها در سواحل دریای عمان، حملات پراکنده‌ای توسط ساکنان این منطقه بر علیه آنان صورت می‌گرفت. سرانجام در آخرین سال‌های قرن نوزدهم، شرایط به حدی وخیم شد که همه چیز برای یک قیام در حال مهیا شدن بود. در جریان این خیزش همگانی، مستر گریوز، در سال ۱۸۹۷م، در محل رودخانه‌ی راپچ، به قتل رسید.^{۴۳} سر پرسی سایکس^{۴۳} که در این شرایط بر قضایا نظارت داشت علل این حادثه را چنین ثبت کرده است: «پس از کشته شدن ناصرالدین شاه، به علت ظلم و ستم حکام منطقه و فقدان نیروهای دولتی، شورشی بزرگ توسط حسین‌خان^{۴۴} آغاز شد که بیشتر مناطق بلوچستان را فرا گرفت. این مسأله فرصت مناسبی در اختیار بلوچ‌ها قرار داد تا به مقابله با انگلیسی‌ها بپردازند». سایکس، علت دوم را پیشرفت قوای عثمانی در خاک یونان می‌داند. چون مسلمانان، یونان را موطن اسکندر مقدونی می‌دانستند، لذا غلبه بر وطن آن فاتح جهانگشا، در نزد مسلمانان اهمیت شایانی پیدا کرد و عموم مردم، بخصوص روحانیان استفاده‌های تبلیغاتی زیادی از آن می‌کردند.^{۴۵} در ظاهر ممکن است این علت بعید به نظر برسد، اما اگر بپذیریم خلیفه خیرمحمد به عنوان رهبر مذهبی این قیام با مرشد بزرگ «طریقت قادری»^{۴۶}، پیر سیدعلی حیدر قادری، در بغداد مراوده داشته، چنین ارتباطهایی میان وقایع امکان‌پذیر است.

نظر به اینکه مردم بلوچستان، انگلیسی‌ها را کافر می‌دانستند، چنین حرکت‌هایی در برابر آنان، بخصوص با حضور خلیفه خیرمحمد، نوعی جهاد مذهبی نیز تلقی می‌شد. خلیفه خیرمحمد از عارفان طریقت قادری بود که در اواسط دوره‌ی قاجاریه از افغانستان به مکران آمد و در منطقه «فنج» ساکن شد. وی پس از ازدواج با یکی از اهالی «کاروان»^{۴۸}، به آن منطقه نیز رفت و آمد می‌کرد. در ضمن نظر به جایگاه عرفانی‌اش، با مرشد بزرگ طریقت قادری در بغداد نیز مراوداتی داشت. با توجه به نقش دینی و عرفانی‌اش در نزد مردم احترام خاصی داشت. وی از آن دسته صوفیانی بود که در موقع لزوم در برابر کفار و بیگانگان از جنگ و جهاد شانه خالی نمی‌کرد. بر روی مهر او عبارت زیر حک شده بود: «صفدر و صفشکن و شیر دلاور به جهان پیرو دین محمد، خیرمحمد افغان». این عبارات روحیه جهاد و مبارزه‌طلبی وی را به خوبی نمایان می‌سازد.

۴۲. سایکس، سر پرسی: *سفرنامه سایکس یا ده هزار میل در ایران*، ترجمه‌ی حسین سادات نوری، تهران: ابن سینا، ۱۳۳۶، ص ۳۰۵.

43. Sir Percy Sykes.

۴۴. از خوانین مطرح در بخش‌های مرکزی و غربی بلوچستان در ثلث سوم پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار.

۴۵. سایکس، پیشین، ص ۳۰۶.

۴۶. یکی از فرقه‌های بزرگ صوفیه که از پیروان شیخ عبدالقادر گیلانی هستند.

۴۷. شهر و منطقه‌ای در بلوچستان، از توابع شهرستان نیک‌شهر.

۴۸. منطقه‌ای در سواحل مکران که امروزه حدود شانزده روستا دارد و بزرگ‌ترین آبادی آن «زرآباد» است.

در حالی که فضای عمومی برای قیام علیه انگلیسی‌ها آماده بود، خلیفه خیرمحمد، علیه این استعمارگران بیگانه اعلام جهاد نمود. حمله به منافع انگلستان با هجوم به پایگاه نظامی آن‌ها در چابهار آغاز شد.^{۴۹} این حمله به سرکردگی یارمحمد، برادرزاده‌ی حاکم جاسک (عبدالنبی)^{۵۰} و به فتوای خلیفه خیرمحمد انجام گرفت. با تصرف پایگاه انگلیسی‌ها در چابهار، تجار هندی و حیدرآبادی ساکن در چابهار به گواذر نقل مکان کردند.^{۵۱} مدت زمانی کوتاه پس از آن، انگلیسی‌ها به جهت تجهیزات پیشرفته‌شان توانستند پایگاه را باز پس گیرند. با توجه به اینکه نیروهای انگلیسی از سلاح‌های پیشرفته‌تر و تجهیزات جنگی دریایی قوی‌تری برخوردار بودند، مبارزان محلی توان مقابله‌ی مستقیم با آنان را نداشتند، لذا به اقدامات ایذایی همچون قطع کردن سیم‌های تلگراف روی آوردند.^{۵۲}

ماجرای قتل مستر گریوز

در جریان یکی از حملات به تأسیسات تلگرافی انگلستان در اواخر نوامبر ۱۸۹۷م. مستر گریوز، رییس خطوط تلگرافی از جاسک تا گواذر مورد هدف قرار گرفت.^{۵۳} وی که در حال بازرسی سالانه-اش نزدیک رودخانه‌ی «رایچ»، در شرق جاسک، اردو زده بود، به دست گروهی از بلوچ‌های اهالی کاروان، از طایفه‌ی «شاهوزهی» کشته شد. سرکردگان اصلی این حادثه افرادی با نام‌های شی محمد، صابر، ملک گُند و لله بودند. اینان پول‌های مهندسان انگلیسی را به آتش کشیدند تا ثابت کنند قصد چپاول اموال را نداشتند، بلکه هدفشان مبارزه با استعمارگران بیگانه بود.^{۵۴} اسناد انگلیسی به عمد، انگیزه‌ی مهاجمان را غارت اموال آنان نشان دادند تا از اهمیت حادثه بکاهند و ضمن کوچک جلوه دادن آن، ابعاد سیاسی حرکت را پوشیده نگه دارند.

پس از کشته شدن این مأمور انگلیسی، احمدخان دریاییگی به دستور حکومت قاجاریه به همراه عده‌ای از جنگجویان تنگستانی با کشتی پرسپولیس^{۵۵} از بوشهر عازم سواحل مکران شد، تا قیام کنندگان را سرکوب کند.^{۵۶} سر پرسپولیس (آگاه‌ترین فرد انگلیسی راجع به اوضاع بلوچستان در آن زمان) نیز از طرف نمایندگی بوشهر با ناو «پیچین» مأمور شد به محل وقوع حادثه رفته، با

۴۹. دامنی، پیشین، ص ۲۵۲.

۵۰. حاکم جاسک در فاصله‌ی سال‌های ۱۸۵۸ تا ۱۸۹۵م.

۵۱. دامنی، پیشین، ص ۲۵۴.

۵۲. همان، ص ۲۵۲.

۵۳. سایکس، پیشین، ص ۳۰۵.

۵۴. مصاحبه با خدابخش از افراد مسن روستای «جوزدر» واقع در منطقه کاروان.

۵۵. این کشتی در سال ۱۸۸۵ میلادی از آلمان خریداری شده است.

۵۶. سایکس، پیشین، ص ۳۰۶.

مأموران ایران مساعدت نماید.^{۵۷} علاوه بر این‌ها، مستر افینچ، رییس کل تلگراف و مستر سبلی، رییس سیم خلیج فارس به همراه نظامیان دیگری با کشتی «پاتریک ستیورت»^{۵۸} به طرف سواحل مکران حرکت کرده در نزدیکی مصب رودخانه‌ی رایچ، در سه مایلی روستای «گالک»، لنگر انداختند.^{۵۹} پس از تجمع گروه‌های یادشده در محل حادثه‌ی قتل مستر گریوز (حدود هیجده کیلومتر دورتر از ساحل) و قبل از شروع عملیات علیه معترضان، سایکس تحقیقاتی راجع به اهالی منطقه، خصوصاً مردم «کاروان» به عمل آورد. سرانجام معلوم شد تعداد مبارزان حدود ۸۰۰ نفر است که به اسلحه‌های «ته‌پر» مسلح می‌باشند. بعد از تحقیقات لازم و مذاکراتی که به عمل آمد، نظامیان همراه دریابییگی و انگلیسی‌ها به آبادی‌های کاروان حمله کردند. تمام اهالی کاروان به مناطق کوهستانی فرار کرده بودند. مهاجمان انگلیسی و دولتی تمام آبادی را غارت کردند. از این اموال غارتی دو گوسفند به سایکس و همراهانش رسید. پس از آن، درگیری میان دو طرف آغاز شد. در این مبارزه، بلوچ‌ها فقط تفنگ‌های «ته‌پر» داشتند، در حالی که مخالفانشان علاوه بر اسلحه‌های پیشرفته‌تر، توپخانه نیز به همراه داشتند.^{۶۰} سایکس در مورد این مرحله از درگیری‌ها نوشته است: «تنگستانی‌ها را به تعقیب بلوچ‌ها مأمور نموده، از دور مجادله‌ی آن‌ها را با دوربین تماشا می‌کردیم».^{۶۱} این در واقع اوج خیانت انگلیسی‌ها از قلم خودشان است. بلوچ‌ها که در این زمان تنها راه مقابله با نیروهای انگلیسی را دفاع در تنگه‌ها و نواحی کوهستانی می‌دیدند، به این مناطق پناهنده شدند. انگلیسی‌ها و متحدانشان که ادامه‌ی عملیات در مناطق کوهستانی را به صلاح نمی‌دانستند به ساکنان منطقه هشدار دادند که اگر مجرمان را تسلیم نکنند تمام نخلستان‌های منطقه را به آتش خواهند کشید. سایکس چنین وانمود می‌کرد که سردار سعیدخان^{۶۲} از او درخواست نموده از آتش زدن نخیلات خودداری نماید و در عوض به او قول داده مخالفان انگلیسی را دستگیر کند.^{۶۳} آتش زدن نخلستان‌های منطقه که تنها منبع درآمد مردم بود، باعث گسترده‌تر شدن قیام و تحریک مردم می‌شد؛ بنابراین صرف‌نظر نمودن از به آتش کشیدن نخلستان‌ها به درخواست سردار سعیدخان، بهانه‌ای بیش نبود.

روزنامه‌ی «حبل‌المتین» درباره‌ی وقایع بلوچستان در این زمان نوشته است: «بزرگان و اراکین و اعیان دولت و ملت ایران به طرف مسئله‌ی بندر جاسک توجه فرموده‌اند یا از سرگرمی امورات

۵۷. همان، ص ۳۰۷.

58. Patrik stivart.

۵۹. همانجا.

۶۰. همان، ص ۳۱۰.

۶۱. همانجا.

۶۲. پسر حسین خان و حاکم بخشی از بلوچستان به مرکزیت نیک‌شهر.

۶۳. سایکس، پیشین، ص ۳۱۱.

شخصیه خود، ملاحظه‌ی خرابی‌های داخله سرحدات ایران و وقایع مؤلمه و حوادث معظمه که همه روز هر یک باعث هزار گونه خرابی و علت خطرهای بزرگ دولت و ملت است نمی‌نمایند و تصور نمی‌کنند که دولت همسایه برای کشته شدن یک نفر تلگرافچی به چه خیال سه چهار جنگی خود را در بندر جاسک لنگر اقامت داده و این همه مخارج را به امید کدام روز متحمل شده و می‌شود، دولت ایران را به بعضی چیزها دچار لشگرکشی کرده و خانه‌ی جنگی رعایای خود نموده، تا به حال پنجاه نفر از طایفه‌ی بلوچ مقهور و مظلوم کشته شده‌اند و همگی به جبال فرار کرده و زراعت و فلاحه آن‌ها خراب شده است. آقایان صاحب منصبان و مأمورین دولت ایران در این وقت نازک، اگر واقعه‌ی عظیمی از برای دولت ایران با این دولت حریص مملکت رخ نماید، چه خواهند کرد^{۶۴}.

همزمان با این درگیری‌ها، قیام علیه استعمارگران انگلیسی در بلوچستان تحت‌الحمايه‌ی انگلستان نیز آغاز شد. لذا سایکس، از ادامه‌ی عملیات در ناحیه‌ی کاروان صرف نظر کرده، عازم آنجا شد. در محدوده‌ی بندر گوادر، مهرباب‌خان گچکی، حاکم ناحیه‌ی «کیچ»^{۶۵} خود را غازی و مجاهد خوانده، نماینده‌ی انگلیسی‌ها را در قلعه‌ی «تریت» (کیچ) دستگیر نموده، شرط آزادی او را تخلیه‌ی آن ناحیه توسط انگلیسی‌ها اعلام نمود. علاوه بر آن، ساکنان منطقه، سیم‌های تلگراف را قطع کرده، دیرک‌ها را واژگون ساختند. سایکس اوضاع را در این زمان چنین گزارش داده است: «در این گیرودار یک عده از زمین‌پیمایان و مهندسین تلگراف که در نقاط مختلف بلوچستان انگلیس مأمور و مشغول انجام وظیفه بودند، مورد حمله‌ی بلوچ‌ها واقع می‌شوند. خلاصه اوضاع گوادر معشوش و درهم و برهم بود و طایفه‌ای معروف به «رند»^{۶۶} نیز در اغتشاش شرکت کرده و غوغای غریبی برپا ساخته بودند. متصدی پست که زرتشتی بود، محرمانه به این جانب (سایکس) اظهار داشت: هر شب انتظار دارد سر او را از بدن جدا نمایند»^{۶۷}.

انگلیسی‌ها که از گسترش حرکت مردم بلوچستان علیه منافعشان به شدت وحشت داشتند، اردویی را از هندوستان برای سرکوبی مردم این ناحیه گسیل داشتند. نیروهای اعزامی از هند، در حوالی بندر «پسنی» با بلوچ‌های مسلح که حدود هزار نفر بودند، روبرو شدند. به علت برتری سلاح‌های جنگی انگلیسی، بلوچ‌ها نتوانستند به مقاومتشان ادامه دهند. مهرباب‌خان که رهبری این گروه از معترضان علیه انگلیس را در دست داشت، از میدان نبرد نجات یافت، ولی چند نفر دیگر از رهبران این قیام در

۶۴ روزنامه‌ی جبل‌المتین، دوشنبه ۲۶ ذی‌قعدة ۱۳۱۵، ۱۸ آوریل ۱۸۹۸، ص ۲۴۵.

۶۵ یکی از شهرهای بزرگ قدیمی مکران که امروزه با عنوان «تریت» در خاک پاکستان قرار دارد.

۶۶ از قبایل معروف بلوچ که پس از تشکیل کمیسیون مرزی بخشی از آن‌ها در قلمرو بلوچستان انگلیس قرار گرفت و این امر باعث اعتراض آنان شد.

۶۷ سایکس، پیشین، ص ۳۱۷.

جنگ کشته شدند.^{۶۸} به این ترتیب قیامی که در سراسر بلوچستان بر علیه انگلیسی‌ها در حال گسترش بود، رو به خاموشی گذاشت.

سایکس پس از سرکوب قیام‌های مردمی بلوچستان تحت‌الحمایه‌ی انگلیس، به بلوچستان ایران و منطقه‌ی کاروان در نزدیکی جاسک، بازگشت. به هنگام مأموریت او در بلوچستان تحت‌الحمایه‌ی انگلیس، پایگاه مشترک نیروهای ایرانی و انگلیسی در کاروان مورد حمله قرار گرفته بود و نیروهای این پادگان از هم پاشیده، دو نفر نیز به قتل رسیده بود. حتی دریایی‌گی نیز، در یکی از جنگ‌ها زخمی شده بود.^{۶۹} آصف‌الدوله، حاکم کرمان و بلوچستان، با اطلاع از ناکامی نیروهای دولتی قاجاریه، به دستور صدراعظم ایران (امین‌السلطان)، لشکری مجهز برای مقابله با مبارزان اعزام کرد. نیروی اعزامی از کرمان توان مقابله‌ی نظامی مستقیم نداشت، لذا نخلستان‌های حوالی جاسک را به آتش کشید.^{۷۰} گویا پس از این اتفاقات، قاتلان مهندس انگلیسی، خودشان تسلیم می‌شوند؛ یا توسط حاکم «بنت»^{۷۱} دستگیر و تحویل نیروهای ائتلاف می‌شوند. سه نفرشان اعدام و یک نفر از آنان به نام صابر به همراه دریایی‌گی به بوشهر برده می‌شود.^{۷۲}

سایکس، در سفرنامه‌ی خود علی‌رغم نقش ایدئولوژیکی بسیار مؤثر خلیفه خیرمحمد در این جریان‌ها، از وی ذکری به میان نمی‌آورد، بلکه از افراد مبارز دیگری مانند شی محمد در این جریان یاد کرده، چنین می‌نویسد: «قاتل اصلی این جریان، شی محمد، دستگیر و در حضور جمعی از سران محل برای عبرت سایرین به دار زده شد»^{۷۳}. همچنان که گفته شد انگلیسی‌ها به عمد از بازگویی واقعیت‌ها شانه خالی می‌کنند تا اقدامات سرکوب‌گرانه‌شان را توجیه نمایند. شدت عمل انگلیسی‌ها در این جریان فقط به خاطر انتقام خون مستر گریوز نبود، بلکه آن‌ها احساس می‌کردند در بلوچستان قیامی همگانی و فراگیر بر علیه آن‌ها در حال شکل‌گیری است، لذا به عنوان اقدامی پیشگیرانه به چنین عملیات‌های نظامی گسترده‌ای دست می‌زدند. علاوه بر اقدامات نظامی همه‌جانبه‌ی آنان، با توجه به شرایط جغرافیایی منطقه، کمبود ارتباطات، سرسپردگی بعضی خوانین محلی به انگلستان، ضعف سیاست‌های حکومت قاجاریه و مهم‌تر از همه ترفندهای سیاسی انگلیس، این قیام نتوانست فراگیر شود و تمام منطقه را بر علیه انگلیسی‌ها بشوراند. با این حال تنفر از آنان را در اذهان مردم بیشتر کرد.

۶۸. سپاهی، پیشین، ص ۲۳۹.

۶۹. سایکس، پیشین، ص ۳۲۶.

۷۰. سپاهی، پیشین، ص ۲۴۰.

۷۱. نام منطقه‌ای از توابع شهرستان نیک‌شهر که در زمان‌های قدیم مرکز حکومت‌نشین‌های محلی بوده است.

۷۲. مصاحبه با خدابخش.

۷۳. سایکس، پیشین، ص ۳۳۰.

پیامدهای ناشی از قتل گریوز

به دنبال حوادث ناشی از قتل گریوز، در ژانویه ۱۸۹۸م، ۱۵۰ تن از تفنگداران بمبئی به فرماندهی دو افسر انگلیسی اعزام شدند که صد تن از آنان در چابهار و پنجاه تن در جاسک استقرار یافتند. با آنکه گروه چابهار به پنجاه تن کاهش یافت و افسران هندی جایگزین افسران انگلیسی شدند، لیکن پس از فروکش کردن ناآرامی‌ها، از انتقال اینان خودداری شد و برای استقرار آن‌ها دو سربازخانه‌ی دائمی در چابهار و جاسک توسط انگلیسی‌ها ساخته شد.^{۷۴} در نتیجه‌ی این ناآرامی‌ها و همچنین فعالیت‌های روس‌ها و فرانسوی‌ها در خلیج فارس، انگلیسی‌ها در سال ۱۹۰۱م برای استقرار معاون کنسول انگلیس در «بمپور» (برای حفظ اتباع انگلیس) اجازه خواستند. دولت ایران با این نظر مخالفت کرد، ولی اجازه داد، چنین کسی را در بم مستقر کنند.^{۷۵}

نظر به اینکه بعد از این حادثه بر تعداد نیروهای انگلیسی در بلوچستان افزوده شد و دست‌اندازی‌ها و اقدامات سلطه‌جویانه و استعماری آنان بیشتر گردید، به موازات آن بر نفرت مردم و احساسات ضد انگلیسی‌شان نیز افزوده شد. بنابراین بی‌جهت نیست که آلمانی‌ها در جنگ جهانی اول از این ماجرا بهره‌برداری کردند و در سال ۱۹۱۶م. جاسوسان خود را اعزام نمودند، تا ایلات آنجا را بر ضد انگلیسی‌ها بشورانند.^{۷۶} از مهم‌ترین پیامدهای مبارزه و مقاومت در این جریان، آشکار شدن بیشتر ماهیت سیاست‌های استعماری و تفرقه‌افکنانه‌ی انگلیسی‌ها بود.

برآمد

قتل مستر گریوز بخشی از یک جریان ضد انگلیسی فراگیر و شدیدی بود که در اواخر دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در مناطق بلوچستان پدید آمده بود. درحالی‌که سرکردگان نظامی متعددی در نقاط گوناگون حمله به انگلیسی‌ها و منافعشان را سازماندهی می‌کردند، به نوعی رهبری معنوی این قیام با خلیفه خیرمحمد بود. ایشان بر علیه انگلیسی‌ها فتوای جهاد داده بود که چنین امری هم باعث گسترده شدن قیام و هم باعث مقاومت و ایستادگی بیشتر در برابر انگلیسی‌ها می‌شد. متأسفانه به دلیل برتری نظامی انگلستان، سرسپردگی بعضی حکام محلی به انگلیس، همکاری حاکمان قاجاری با نظامیان انگلیسی و شرایط جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی منطقه در آن زمان، این قیام به بار ننشست و نتوانست به قیامی فراگیر و نهایتاً به پیروزی برسد.

۷۴. اسپونر، پیشین، ص ۱۱۹.

۷۵. همان، ص ۱۲۰.

۷۶. همانجا.

کتابنامه

۱. اسپونر: «بلوچ و بلوچستان» در *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، جلد ۴، ۱۳۷۷.
۲. اسدی، بیژن: *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
۳. افشار (سیستانی)، ایرج: *چابهار و دریای پارس*، زاهدان: انتشارات صدیقی، ۱۳۷۲.
۴. برقی، محمد: *سازمان سیاسی حکومت محلی بنت*، تهران: انتشارات مازیار، چاپ اول، ۱۳۳۶.
۵. پاتینجر، هنری: *مسافرت سند و بلوچستان*، ترجمه‌ی شاهپور گودرزی، تهران: کتاب‌فروشی دهخدا، ۱۳۴۸.
۶. دامنی، عبدالغنی: *سیمای تاریخی بلوچستان*، چاپ اول، تهران: انتشارات پاسارگاد، ۱۳۸۰.
۷. روزنامه حبل‌المتین، سال پنجم، دوشنبه ۲۶ ذیقعد ۱۳۱۵ ه‍.ق، ۱۸ آوریل ۱۸۹۸ م.
۸. سایکس، سر پرسی: *سفرنامه سایکس یا ده هزار میل در ایران*، ترجمه‌ی حسین سادات نوری، تهران: ابن سینا، ۱۳۳۶.
۹. سپاهی، عبدالودود: *بلوچستان در عصر قاجار*، قم: گلستان معرفت، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۰. سیوری، راجر: *ایران عصر صفوی*، ترجمه‌ی کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چاپ دهم، ۱۳۸۱.
۱۱. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر: *تاریخ الطبری تاریخ الامم و الملوک*. منشورات محمد علی بیضون، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا، الجلد الثانی.
۱۲. محمود، محمود: *تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹*، تهران: اقبال، ۱۳۵۸، ۸ جلد.
۱۳. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ: *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره قاجاریه تا پایان جنگ جهانی دوم*، تهران: امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۸۱.
۱۴. وثوقی، محمدباقر: *خلیج فارس و ممالک همجوار*، تهران: سمت، ۱۳۸۴.
۱۵. ولایتی، علی‌اکبر: *گزیده اسناد خلیج فارس*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹، ۲ جلد.
۱۶. مصاحبه با خدابخش از افراد مسن روستای «جوزدر» واقع در منطقه کاروان.